



مکاتب مراقبه دعوت کننده به نفس هستند/ حذف خدا در عرفانهای نوظهور

یک قرآن پژوه با تأکید بر تفاوت جهاد نفس با دیگر مکاتب مراقبه گفت: آنچه این مکاتب نوظهور به عنوان جهاد با نفس تبلیغ می کنند اتفاقاً خود نفس است چون وقتی خدا را حذف کنیم خود به خود به سمت نفس سوق داده می شویم.

یک قرآن پژوه با تأکید بر تفاوت جهاد نفس با دیگر مکاتب مراقبه گفت: آنچه این مکاتب نوظهور به عنوان جهاد با نفس تبلیغ می کنند اتفاقاً خود نفس است چون وقتی خدا را حذف کنیم خود به خود به سمت نفس سوق داده می شویم.

حجت الاسلام مهدی رستم نژاد عضو هیئت علمی جامعه المصطفی العالمیه در گفتگو با خبرنگار مهر، درباره جهاد نفس از دیدگاه قرآن گفت: در قرآن مطالب زیادی در این باره هست هم از فضائل نفس سخن می گوید تا جایی که به نفس مطمئنه برسد « یا ایتها النفس المطمئنه؛ و هم از ویژگی های منفی آن یاد می کند تا جایی که از حیوان هم پس تر می شود همچنانکه قرآن می فرماید: « اولئک کالانعام بل هم اضل«.

وی افزود: نفس انسان به تعبیر قرآن « فآلهمها فجورها و تقواها« است یعنی به نفس انسان هم فجور و هم تقوایش الهام شده است یکی از ویژگی های مهم نفس این است که هم می تواند به بالاترین مدارج روحانی برسد و هم به پست ترین و یا درکات برسد یعنی نفس بین شاهراه خوبی و بدی قرار گرفته است و اگر نفس مراقبت نشود به طور طبیعی به طرف زشتی ها حرکت می کند چون نفس میل به زشتی دارد؛ درست است که نفس بین شاهراه خوبی و بدی قرار گرفته است اما نفس اگر تابع عقل باشد می تواند به کمال برسد اما اگر نفس تابع غرائز نفسانی و حیوانی خود شد -که بعد دیگر انسان است- این نفس اماره بالسوء خواهد بود.

این قرآن پژوه یادآور شد: از ویژگی های اصلی نفس انسانی این است که انعطاف دارد؛ یعنی اگر تحت اشراف قوه عقل قرار گیرد مسیر عبادت و بندگی خدا را در پیش می گیرد و الا مسیر بندگی شیطان را در پیش می گیرد. اینکه در روایات به سیئات نفس اشاره شده است در واقع به بعد دوم اشاره دارد یعنی نفسی که تابع خواسته ها و هواهای نفسانی و بعد حیوانی انسان می شود. بنابراین ما نمی توانیم نفس را خود به خود متهم کنیم چون خداوند در قرآن می فرماید: ونفس و ما سواها * قسم به نفس و خدایی که این نفس را آفرید و در حد میانه قرارش داد به گونه ای که « فآلهمها فجورها و تقواها« هم فجور و زشتی اش را الهام کرد و هم تقوی و خوبی اش را. نفس به خودی خود در حد میانی که مخلوق خداوند است مورد عیب نیست اما آنگاه که روایات می گویند که دشمن ترین دشمنان تو نفس توست آن نفسی است که تابع خواسته های حیوانی شده است و در واقع آن زشتی ها و فجور را دنبال کرده است.

رستم نژاد تأکید کرد: نفس در ابتدا خود سرباز است و اگر جنبه ملکوتی بر انسان غالب شود، سرباز خوبی است و همین ، انسان را به کمال می رساند اما اگر انسان آن بعد شیطانی را در خود پرورش دهد، نفس به مانند سربازی اطاعت می کند و نفس در ابتدا خود امر کننده نیست اما کم کم به جایی می رسد که امر کننده می شود و بر وجود انسان و قوه عاقله انسان سوار و امیر می شود. نفس اگر تابع خدا شد و در واقع تابع عقل شد -چون « العقل ما عبد به الرحمن« خداوند رحمان به وسیله عقل عبادت می شود یعنی عقل راه بندگی را هموار می کند- و در مقابل نفس که جلوی عقل را می گیرد، ایستاد، راه بندگی را انتخاب کرد، جهاد با نفس اتفاق می افتد و عقل فرمانروای وجود می شود .

وی تبعیت از خدا و فرامین الهی و آشنایی با احکام و معارف دین را گامهای اولیه جهاد با نفس برشمرد و افزود: پس از کسب دانش دینی، عمل اهمیت دارد. قرآن پس از 171#&...آمنوا؛ می فرماید و 171#& عملوا الصالحات؛. یکی از خاصیت‌های نفس رام بودن است که قابل تربیت شدن است و تربیت نفس با عمل امکان دارد که استمرار در اعمال حسنه و انجام واجبات و ترک محرمات بسیار مهم است.

این مدرس حوزه و دانشگاه با تأکید بر تفاوت جهاد نفس از منظر اسلام با دیگر مکاتب مراقبه، افزود: در نگاه قرآن و دین کل این مکاتب که به عنوان مراقبه و عرفانهای نوظهور از آن یاد می شود، عین نفس است. کسی که ادعا می کند می خواهم نیرویی به دست آورم و یا به آرامش برسم و غیره، دقیقاً اینها عین نفس است و قرآن این را نفس می خواند چون ما در مقابل عقل، نفس داریم؛ عقل چیست؟ 171#& ما عبد به الرحمن؛ است، یعنی آنی که خدا می خواهد من دنبال کنم. اما آیا با نگاه بشری می توان برای خود نسخه پیچید؟ از نگاه دین و هم عقل چنین چیزی امکان ندارد، چون کجا انسان انتهای راه بشر را می داند و اصلاً عالم پس از مرگ را می داند؟ پس این نسخه های بشری ناقص است.

وی خدامحوری، دین محوری و معادمحوری را سه ویژگی اصلی عقل برشمرد و گفت: عقل به خودی خود بر اینکه خداوند نسخه برای بشر نوشته تأکید دارد و بر وجود دین صحه می گذارد و سومین ویژگی عقل، معاد محوری است و عقل همانطور که برای امور مادی به عاقبت سنجی حکم می کند در مسائل دینی نیز چنین حکم می کند. این سه ویژگی اصلی عقل است در این مکاتب مراقبه و عرفانهای کاذب و ... حذف شده است؛ این مکاتب و آموزه ها، نه دین محورند چون از ابتدا شریعت را حذف می کنند و نه معاد را می پذیرند و از همه مهمتر اصلاً خدا را قبول ندارند که این می شود خود نفس.

حجت الاسلام رستم نژاد در پایان تأکید کرد: یعنی آنچه را که این مکاتب نوظهور به عنوان جهاد با نفس تبلیغ می کنند اتفاقاً خود نفس است چون وقتی خدا را حذف کنیم خود به خود به سمت نفس سوق داده می شویم. پس اینجا انسان خود را می بیند لذا می گوید آرامش من انسان. درست است انسان. اینها دقیقاً خود را جای خدا می بینند لذا برای خودشان به عنوان خدا نسخه می نویسند و کاری به نسخه الهی ندارد و لذا فرق این دو- یعنی جهاد با نفس و مکاتب نوظهور تربیت نفس و مراقبه- ماهوی است و ماهیتاً با هم قابل جمع نیستند.